# دروازه جهنم!

□ ميکيتا بروتمن[[1]](#footnote-2)

##### چکيده:

##### امروزه با گسترش شبکه اينترنت، در کنار منافع مختلف آن، ما شاهد افزايش نگراني‌هاي والدين و کارشناسان و متخصصان در مورد آثار سوء مختلف اين رسانه نوين هستيم. آنان معتقدند، با وجود ميليون‌ها پايگاه مربوط به سکس مجازي، پورنوگرافي، سرقت، قتل‌هاي زنجيره‌اي، بمب گذاري، تروريسم، جعل و فريبکاري، هک، جاسوسي و رديابي اطلاعات خصوصي افراد، آيا حمايت حاميان آزادي شبکه از برنامه‌هاي فيلترينگ، نشانگر ابعاد اين تهديد جهاني نيست؟ و يا همان طور که نويسنده مي‌گويد، آيا امروز شبکه اينترنت به دروازه ديگري از جهنم تبديل نشده است؟

سازمان‌هاي مسيحي، حاميان سانسور، مروجان اصول اخلاقي و ساير حمايت‌کنندگان از «ارزش‌هاي خانوادگي» سال‌هاست که در مورد قدرت مخرب شبکه اينترنت در تضعيف اصول و مباني اخلاقي جوامع، هشدار مي‌دهند. به ويژه به دليل وجود سايت‌هاي فراوان پرونوگرافي کودکان، قاتلان سريالي و آزارگران کودکان، اين نگراني‌ها بايد به اصلاحاتي بنيادين بيانجامد. در رسانه‌هاي محافظه کار، از اينترنت به عنوان دروازه‌اي به سوي دنيايي هراس‌آور و اهريمني ياد مي‌گردد که امروزه بسياري از زنان و مردان، نگراني خود را در مقابل قدرت شگرف پورنوگرافي‌هاي عرضه شده در فضاي مجازي در تأثير بر مخاطبان، اعلام نموده‌اند.

بسياري معتقدند که قابليت بي‌نام بودن، يکي از ويژگي‌هاي اين شبکه است که باعث به وجود آمدن هکرهاي نوجوان مي‌گردد. البته نبايد از ويژگي‌هايي ديگري که شبکه اينترنت را به عنوان مأمن همه انسان‌هاي شيطاني نظير بمب‌گذاران انتحاري، جنايتکاران رواني، تروريست‌هاي راديکال و ساير مجرمان و تبهکاران درآورده، به سادگي چشم پوشي نمود. بدين ترتيب، همه آناني که مسئول رسيدگي به اين جنايت‌هاي روزمره در جوامع مدرن هستند، بايد در برابر شکل‌گيري اين شرايط، پاسخگو باشند.

سازمان‌هاي مسيحي، حاميان سانسور، مروجان اصول اخلاقي و ساير حمايت‌کنندگان از «ارزش‌هاي خانوادگي» سال‌هاست که در مورد قدرت مخرب شبکه اينترنت در تضعيف اصول و مباني اخلاقي جوامع، هشدار مي‌دهند.

آنچه که به عنوان ظرفيت دموکراتيک اينترنت و عدم توجه به سن و نژاد و جنسيت و قوميت کاربران در اين شبکه ياد مي‌شود، باعث گرديده که ما حتي به همسايگان خود اعتماد نکنيم. به علاوه، در مقايسه با ساير رسانه‌ها نظير سينما و يا تلويزيون، ما با شبکه‌اي بسيار شيطاني‌تر روبه‌رو شده‌ايم که بسياري را جادو کرده است و حتي معتادان به اينترنت هم حاضر به پذيرش اين اعتياد رواني خود نيستند.

اقاي **پاتريک کارنس** در کتاب خود با عنوان «در سايه شبکه» مي‌نويسد: «اينترنت و سکس شبکه‌اي، به دروازه‌اي تبديل شده که زمان، ادراکات و ارزش‌هاي ما را نابود مي‌کند. سکس شبکه‌اي، مخاطبان خود را چنان تسخير نموده که آنان قادر به کنترل فعاليت‌هايشان نخواهند بود. به علاوه، با فرو رفتن بيشتر شما در سکس شبکه‌اي، ديگر راه نجاتي وجود نخواهد داشت... جذابيت‌هاي سکس شبکه‌اي باعث گرديده، حتي افرادي که هيچ علاقه‌اي به استفاده از کامپيوتر نداشته‌اند هم به جمع مشتريان آن بپيوندند.»

من معتقدم که اين وضعيت با هشدارهاي ارائه شده در مورد مخاطرات بيماري ايدز، مشابه است، گويي هر چه هشدارهاي کارشناسان بيشتر مي‌شود، تعداد افراد آسيب ديده نيز افزايش مي‌يابد. امروزه کارشناسان از مستهجن‌انگاري شبکه‌اي، به عنوان نگران‌کننده‌ترين عامل مختل کننده سلامت رواني افراد در دنياي امروز ياد مي‌کنند. حتي عده‌اي، اعتياد شبکه‌اي را با اعتياد به کوکايين مقايسه مي‌نمايند. هر چند توانايي ترک اين ماده مخدر وجود دارد، اما براي خارج کردن تصاوير مستهجن از مغز انسان‌ها، هيچ راهي وجود ندارد. سکس شبکه‌اي به ترشح نامتوازن تستسترون، اکسيتوسين، دوپامين، سروتونين مي‌انجامد که بر فعاليت‌هاي عادي مغز، تأثيراتي ناگوار مي‌گذارد. به علاوه، در هنگام خواب فرد هم، اختلالات رواني ناشي از سکس شبکه‌اي وجود دارد.

در مقايسه با ساير رسانه‌ها نظير سينما و يا تلويزيون، ما با شبکه‌اي بسيار شيطاني‌تر روبه‌رو شده‌ايم که بسياري را جادو کرده است و حتي معتادان به اينترنت هم حاضر به پذيرش اين اعتياد رواني خود نيستند.

امروزه مخاطبان مستهجن‌انگاري اينترنتي، در حالي از ديدن اين تصاوير کام مي گيرند که قربانيان اصلي چنين سوءاستفاده‌هايي، زنان و کودکان و نوجوانان بي‌گناه هستند. البته معمولاً براي از بين بردن آثار سوء مشاهده چنين فيلم‌ها و تصاويري، بايد از مسکن‌هايي قوي‌تر (فيلم‌هايي بي‌پرواتر و مستهجن‌تر) بهره برد.

اينک و در عصر اطلاعات، ما با يک تاريک‌خانه شيطاني روبه‌رو شده‌ايم که بسياري از زد و خوردها و دشمني‌هاي واقعي را به اين شبکه ديجيتال منتقل نموده است و روح انسانيت، قرباني اصلي چنين شرايطي مي‌باشد. گويي قدرت‌هاي شيطاني از اينترنت به عنوان مانيفست اعلام موجوديت خود بهره گرفته‌اند و تعبير بسياري از کارشناسان از اين شبکه به عنوان دروازه جهنم، کاملاً بر واقعيات جهاني امروز منطبق است.

اما چرا اين حجم گسترده از هراس و سردرگمي بر فضاي فکري کاربران اينترنت سايه افکنده است؟ و چرا مانيتورهايي که تنها از شيشه و فلز ساخته شده‌اند، تا اين حد خطرناک‌تر و مفسده برانگيزتر و قدرتمندتر از ساير رسانه‌هاي کنوني پورنوگرافي معمولي و موادمخدر مي‌باشند؟

به هرحال، من هيچ گاه نظرات روان شناسانه فرويد را نپذيرفته‌ام، اما شخصاً بين وضعيت قربانيان سکس مجازي و اين تئوري‌ها، ارتباط نزديکي را مشاهده مي‌کنم. برخلاف رسانه‌هايي نظير تلويزيون و سينما، که معمولاً افراد به صورت گروهي به تماشاي آن مي‌نشينند، کاربران شبکه معمولاً به صورت تنها، از سکس شبکه‌اي استفاده مي‌کنند. بدين ترتيب، مفاهيمي نظير خدا و خانواده و ازدواج، از نگاه اين افراد، به موضوعاتي کم‌ارزش و غيرقابل اعتنا بدل مي شود. از سوي ديگر، کودکاني که بدون نظارت والدين خود از شبکه اينترنت استفاده مي‌کنند، ناخواسته قرباني نقشه‌هاي شيطاني و طراحان توليدکنندگان پايگاه‌هاي مستهجن‌انگاري و سکس شبکه‌اي مي‌شوند. البته والدين آنها هم که کامپيوترها را نه براي خود که براي استفاده فرزندانشان خريداري مي‌کنند، امروزه با انبوهي از تصاوير و فيلم‌هايي روبه‌رو شده‌اند که به صورتي غيرمترقبه بر روي مانيتورها به نمايش درمي‌آيد. لذا آنان با يک دوگانگي روبه‌رو شده‌اند. گويي فرزندان ما همانند گوسفنداني که بي‌خبر از همه جا به طرف کشتارگاه مي‌روند، در دام اين شبکه گرفتار شده و گريزگاهي هم ندارند.

اينترنت و سکس شبکه‌اي، به دروازه‌اي تبديل شده که زمان، ادراکات و ارزش‌هاي ما را نابود مي‌کند. سکس شبکه‌اي، مخاطبان خود را چنان تسخير نموده که آنان قادر به کنترل فعاليت‌هايشان نخواهند بود.

نکته ديگر حائز توجه اين است که بسياري از کلمات معمولي نظير «دختر»، «سگ» و «پسر» که در شرايط کنوني، هيچ مفهوم جنسي‌اي ندارد، در سايه سلطه سکس مجازي به کلماتي با مفاهيمي شرم‌آور و مستهجن تبديل شده‌اند. تجربه دختر کوچک من که به دنبال يافتن اطلاعات و تصاوير مورد علاقه‌اش در باره عروسک «باربي»، در شبکه اينترنت، با يک سايت کثيف و غيراخلاقي روبه‌رو شد، تنها بخشي از واقعيت‌هاي آن روي سکه اينترنت است. اما آيا چنين اتفاقاتي را مي‌توان تصادفي ارزيابي کرد؟

از سوي ديگر، با انبوهي از برنامه‌هاي الکترونيکي و پيام‌هايي که براي فريب دادن شما ارسال مي‌شود، چه برخوردي بايد نمود؟ همه ما مي‌آموزيم که فرد مخاطب ما، همان کسي نيست که خود را معرفي مي‌نمايد. هر چند عدم وجود پيش‌داوري‌هاي جنسيتي و نژادي و قوميتي و سني را بايد يکي از مزيت‌هاي بي‌رقيب شبکه اينترنت دانست.

امروزه کاربران زن و مرد استفاده‌کننده از سکس مجازي، دلايل مختلفي براي اين کار خود دارند. و امکان انتخاب تصاوير مدل‌هاي بي‌نام و نشان پورنوگرافي و وجود امکانات مبادله تصاوير مورد علاقه با مخاطبان ديگر، به اين بازار، جذابيتي دوچندان داده است.

منتقدان شبکه يادآوري مي‌کنند، عرضه انواع نرم‌افزارهاي کنترل ترافيک شبکه و فيلترينگ خانوادگي را بايد آغازگر عصر نويني دانست که در دنياي اطلاعات، جلوگيري از دسترسي همگاني به بسياري از بخش‌هاي شبکه اينترنت، با استقبال خانواده‌ها و کارشناسان روبه‌رو مي‌شود.

اما حاميان آزادي دسترسي به اطلاعات، در برابر شعارهاي تبليغاتي شرکت‌هاي محدود کننده دستيابي به انواع سايت‌هاي مستهجن، کلاه‌برداري، رمزشکني و هک، چه جوابي دارند؟

تعدادي از اين شعارها را مرور کنيم:

- با استفاده از برنامه‌هاي ما، به گشت و گذاري ايمن در شبکه بپردازيد.

- با آن روي سکه اينترنت مقابله کنيد.

گويي قدرت‌هاي شيطاني از اينترنت به عنوان مانيفست اعلام موجوديت خود بهره گرفته‌اند و تعبير بسياري از کارشناسان از اين شبکه به عنوان دروازه جهنم، کاملاً بر واقعيات جهاني امروز منطبق است.

- براي رفع نگراني‌هاي اخلاقي و امنيتي خود، از محصولات شرکت ما خريداري نماييد.

به دليل حضور انبوهي از افراد شياد و کلاه‌بردار و متقلب، وجود صدها ميليون کودک بي‌دفاع و خانواده‌هاي خواهان کنترل فرزندانشان، به همراه موارد متعددي از تجاوزات جنسي، شکنجه و يا کشته شدگاني که از مفاهيم موجود در سکس شبکه‌اي الهام گرفته‌اند، ما شاهد نگراني‌هاي زيادي در مورد حفظ حريم‌هاي خصوصي افراد هستيم.

من مايلم نکته‌اي ديگر را براي شما بازگو کنيم: امروزه بسياري از شرکت هاي تجاري، با استفاده از برنامه‌هاي جاسوسي، کليه فعاليت‌هاي فرزندان شما را در اينترنت رديابي و ثبت مي‌کنند. هر چند رديابي اقدامات مصرف‌کنندگان در شبکه، از سال‌ها پيش وجود داشته و همه خريدهاي ما با بررسي و تحليل شرکت‌هاي بازاريابي روبه‌رو مي‌شود (و نام اين سوءاستفاده‌هاي شيطاني، بازاريابي تمرکزي نام دارد)، ولي ارائه اين وب گردي‌ها در محاکم قضايي به عنوان دلايل قضايي، جاي سؤال خواهد داشت.

در دنيايي که کارهاي روزمره و حريم خصوصي ما در معرض جاسوسي است، همان‌طور که **جاناتان فرانزن** در مقاله خود با عنوان «اتاق خواب امپرياليستي» مي‌گويد: ما ديگر نمي‌توانيم در هيچ جايي، احساس آرامش و امنيت خصوصي کنيم ، اما آيا اين مراقبت‌هاي شبانه‌روزي با آنچه که در شهرهاي کوچک اتفاق مي‌افتد، مشابه است؟

**جان ايويس** متخصص حوزه کامپيوتر نيز در مقاله خود در پايگاه اينترنتي Bad Subject مي‌نويسد: «تغييرات اجتماعي به وجود آمده پس از رشد انفجاري شبکه اينترنت، کاملاً غيرمنتظره بوده است و اتفاقاتي را به وجود آورده که در آن، کاربران بي‌گناه، خود را قرباني خودخواهي‌هاي ديگران مي‌بينند. به علاوه، ثبات جوامع ما نيز در معرض تهديدات جدي قرار گرفته است. بدين ترتيب، علاوه بر ويروس‌هاي کامپيوتري آزاردهنده‌اي که سلامت سخت‌افزاري رايانه‌هاي ما را با تهديد روبه‌رو مي‌کند و دستگاه شما را تا آستانه انفجار پيش مي‌برد، ما با تهديداتي بسيار نگران‌کننده‌تر روبه‌رو شده‌ايم.»

کودکاني که بدون نظارت والدين خود از شبکه اينترنت استفاده مي‌کنند، ناخواسته قرباني نقشه‌هاي شيطاني و طراحان توليدکنندگان پايگاه‌هاي مستهجن‌انگاري و سکس شبکه‌اي مي‌شوند.

به هرحال، آنچه را که ما از آن به عنوان تکنولوژي نام مي‌بريم، هيچ مشابهتي با روابط انساني ندارد و داشتن نگاهي متفاوت به آن، همان‌طور که ما در برابر رسانه‌هاي نوين ديگر هم‌ عملکردي منفعل داريم، ضروري است. آيا خودخواهي‌هاي راست‌گرايان مسيحي که از فضاي دموکراتيک حاکم بر اينترنت براي خواسته‌هاي تنفربرانگيز اخلاقي و اجتماعي خويش بهره مي‌برند، ما را با يک دنياي شيطاني روبه‌رو ننموده است؟ و آيا ما با يک دروازه ديگر به سوي جهنم روبه‌رو نشده‌ايم؟

منبع: www.Bad.eserver.com

1. - Mikita Brottman: استاد هنرهاي زيباي کالج هنر باليتمور. خانم بروتمن در مورد آسيب‌شناسي فرهنگي و هنري عصر مدرن، مقالات و کتاب‌هاي زيادي نگاشته است. کتاب اخير وي، «تئوري‌هاي متعالي؛ فرهنگ مبتذل» (2005) نام دارد. [↑](#footnote-ref-2)